



سال پنجم | شماره‌ی ۳۹ | چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴
بها: منوط به نتیجه مذاکرات می‌باشد

مردم یادتان می‌آید رئیس جمهوری داشتیم که لرزه به تمنان انداخت؟ کسی که ما را در التهاب و نگرانی نگه داشت؟ هیچ خبر و آماری از خودش و سفرش به ما نمی‌داد تا در ناآگاهی بمانیم؛ جوری که از ترس این بی‌خبری، برویم در اتاقمان به کارهای زشت کرده و نکرده‌مان فکر و حتی توبه کنیم.

جوری که ترس ناآگاهی ما از محتوای جلسات مذاکره اکنون ایران و آمریکا - در عین آگاهی تمام دنیا از آن - پیشش لنگ می‌اندازد.

اصلاً مسبب تمام ناترازی‌های اکنون، اوست! او ما را در بی‌خبری

تری عادت موجب تری است

نگه‌داشته

بود که حالا در دامن بعضی از این کارشناسان و مسئولان ناتراز افتادیم. ما که داشتیم به پرهزینه و کم‌بازده بودن مسئولان عادت می‌کردیم و یک گوشه، نان و ماستمان را می‌خوردیم. به بی‌برقی حتی بدون برنامه دولت قبل، خو گرفته بودیم. قصد آزارمان را داشتید که سال قبل به سفر بی‌بازگشت رفتید؟! چرا کاری کردید فکر کنیم یک مسئول تراز، تمام هم و غمش، رفاه مردم جامعه است؟ آقای عزیز! اگر ماندنی نبودید چرا ما را بد عادت کردید؟!

مشکوک است که آمدید بُت «برجام»، «FATF» و «نداریم، نداریم»‌ها را شکستید و به ما نفس کشیدن بدون ماسک و ترس از کرونا را بخشیدید و رفتید. هنوز برایمان مشکوک است که چرا و چطور مشکل آرد و برق و کارخانه‌ها و هزارتای دیگر را مدیریت کردید، بدون سروصدا و منم منم راه انداختن، تازه بدون گره زدنشان به مذاکرات؟!

آخر فرود سخت با بالگرد، چه بود؟! ۲۴ ساعت جوّ کشور را متشنج کرده بودید که تلافی همه چیز را دریافتورید؟! همه نگران، که چه می‌شود؟ و شد آنچه نباید می‌شد. بدرقه شما تا قیامت، ناترازی دوباره مسئولین و برگشتن با خطر ترک خوردگی به عادت‌های سابق.

این فروودت هم برایمان مشکوک است. سید! نکنند هنوز زندهای و آن پشت-مُشت‌ها، از لابه‌لای درختان، به ما بندگان عادت نگاه می‌کنی؟!

تو که مافیای ارزی و گران کنی و ارزان {ارزان؟ هه!}
تو که پای ثابت مکتب است شخص شیطان
بکند غلط که دشمن برسد به گرد پایت
تو بزرگ دشمنانی، ز ترامپ مترسان!

• ابوطالب شامی



زنگ تاریخ سلسله‌ی رئیس‌یان

علی رجبان

در روزگاری نه چندان دور، سلسله‌ای به نام رئیس‌یان، در ایران، به انتخاب مردم، دولت تشکیل دادند. رئیس این سلسله در سال ۱۴۰۰ کار خود را مصمم شروع کرد. اما او پیش از این در هر منصبی که قرار می‌گرفت، عادت داشت با دیگران ساز مخالف بزند و همین کار را در دوران ریاست جمهور خود نیز ادامه داد. به عنوان مثال:

همه می‌گفتند که او شش کلاس سواد دارد اما او از همان جوانی و نوجوانی شروع کرد به ساز مخالف زدن؛ و با گرفتن مدرک دکترای فقه و حقوق خصوصی و تحصیل تا بالاترین سطح علمی حوزه علمیه در فقه و اصول، دوختن دهان منتقدین را آغاز نمود.

وقتی دیگران می‌گفتند که او تخصصش اعدام کردن هر متهمی است و به مخالفینش رحم نمی‌کند؛ او باز هم با یک‌دندگی تمام، تنها مفسدان و دانه‌درشتان را به اشد مجازات رساند و برای متهمان جرایم خُرد که در زندان بودند از رهبر ایران حکم عفو و بخشش گرفت.

وی به همین منوال، به آن‌هایی که متهمش می‌کردند به دیوارکشی خیابان‌ها و زنانه-مردانه کردن آن، با خودرایی تمام برخورد کرد و از طرفی با دادن وام‌های فرزندان به بانوان، دادن ماشین بدون قرعه‌کشی و با قیمت کمتر از کارخانه به مادران، دادن وام به بانوان خانه‌دار و سرپرست خانوار برای اشتغال و مهیا کردن بیمه آن‌ها، مَهر سکوت بر دهان تمامشان کوبید.

او همچنان خلاف روال طبیعی عمل می‌کرد و این بار مقابل کسانی که به واردات اکثر کالاها و تعطیلی تولیدی‌ها موافق بودند قرار گرفت و با راه‌اندازی کارخانه‌جات خاک‌خورد و ورشکسته سال‌های قبل، بسیاری از کارگران شش‌کلاسه و بالاتر را صاحب کار کرد و تولید داخلی را رواج داد.

جناب رئیس حتی با مسئولین دولت قبلی - که با ماشین‌های ضدگلوله به کارخانه‌ها و معادن می‌رفتند و از داخل ماشین با کارگران گفتگو می‌کردند - نیز ساز مخالف می‌زد و با ماشین معمولی و پای پیاده به آن‌جا می‌رفت و از آن‌ها سؤال می‌کرد که ناهار خوردید یا حقوتان را سر وقت می‌دهند؟ و با آن‌ها سر یک سفره می‌نشست و با هم کتلت بر بدن می‌زدند.

برای وی از خداوند طلب آموزش تقصیرات و مخالفت‌هایش را مسئلت داریم.



از سوابق مبارزات با جمهوری اسلامی بگو

سید علی‌رضا مهدوی زاده

- دو سال پیش به مستأجر ضدانقلاب آوردم خونه‌م و هر شیش ماه، بهش می‌گفتم آخرین شیش ماه حکومت جمهوری اسلامی و اونم با خوشحالی، اجاره‌شو دوبل می‌داد.

- به ماه کامل تو مسجدای مختلف شهر می‌چرخیدم و صف اول نماز پشت آخوند می‌ایستادم و چون هیکلم خیلی درشته، جای دو نفر می‌گرفتم. بعدش رکعت آخر نماز بلند می‌شدم می‌رفتم و نماز همه به هم می‌خورد.

- روز آزادی هر مفسد اقتصادی تو زندان، هوار می‌کشیدم:

«بری دیگه برنگردی!»



را فراموش کنید. شما می‌دانید که موجودات زنده غذاهایی که می‌خورند را چگونه به دامن طبیعت برمی‌گردانند؟! آها باریکلا! مال حیوانات می‌شود زور! بطور مثال گو زور (پهن گاو)، گلی زور (فصله موش) و الی آخر. هووووف. پایان!

فرهنگ واژگان طبری

زور!

شکریانو

بله همین کلمه ساده هم می‌تواند مازندرانی باشد و شما معنی‌اش را ندانید. همین کلمه‌ای که در فارسی به معنای «نیرو» هست تقریباً. این دفعه می‌خواهم کمی طولش بدهم ببینم خودتان می‌توانید حدس بزنید یا خیر! بگذارید با مثال برای شما جا بیندازم: فرض کنید یکی مثل ترامپ تمام زورش را می‌زند تا چهره ایران و ایرانی را خراب کند؛ مثلاً می‌آید می‌گوید ایرانی‌ها بمب هسته‌ای دارند یا مثلاً می‌خواهد نام خلیج فارس را عوض کند انگار اسم بچه همسایه‌شان است که عوضش کند؛ ولی هر چه بیشتر زور می‌زند چهره ایران را خراب کند بیشتر به چهره خود زور می‌زند. (زور اول زور فارسی و زور دوم زور مازندرانی بود!)
فهمیدید؟ نه؟ البته اگر دقیق‌تر بخواهم بگویم: علی‌رغم زور فارسی که همراهش فعل «زدن» می‌آید، بعد از زور مازندرانی، فعل «کردن» می‌آید. یک راهنمایی می‌کنم: زور مازندرانی مختص حیوانات است. مثلاً اسرائیلی‌ها که زور می‌زنند فلسطین و فلسطینی‌ها را از بین ببرند، در اصل دارند در جای خودشان (البته این‌ها که جایی از خودشان ندارند؛ همان جای غصبی) زور می‌کنند و خودشان زیر آن زور دفن می‌شوند!
فکر کنم باز هم پیچیده‌ترش کردم! اصلاً این‌ها

تقاضای اپراتورهای همراه برای
گرانی مجدد اینترنت با وجود
افت کیفیت سرویس‌ها

سجاد گیل پور



